

حملات شدید دشمن را دفع کرد ، جبهه فرانسه تقریباً در خط ریبکور- لاسینی - روی-برم-آلبر (Ribécourt-Lassigny-Roye-Bray-Albert) قرار گرفت. ولی دشمن قوای جدیدی به جناح راست خود کسبل داشت و این قوا در ناحیه کامبره (Cambrai) پیاده میشدند .

فرانسویها با چار بولو گیری از این تهدید بودند: چه در شمال آنکر (Ancre) قوای آنها بچند لشکر پاسبان و مقداری سوار نظام منحصر بود . بدین طریق ، تجمع قوای جدیدی در جناح چپ ارتش ۲ لاینقطع دوام داشت . برای تسهیل کار ژرال کاستنلو ، فرماده کل ژرال مدهوئی (Maud'hui) را بکمک فرستاد تا در شمال سم هدایت محاربات راعهده دار شود . روز ۴ اکتبر ، قوای مدهوئی ارتش ۱۰ را تشکیل میداد .

از ۱۵ سپتامبر تا ۴ اکتبر ، جبهه از اوآز تا سم و آنکر (Ancre) امتداد یافت ، و اینک از آراس (Arras) گذشته و به لاس (Lens) منتهی میشد .

مرحله دوم (۴-۱۵ اکتبر)

در مرحله سابق ، فرماندهی کل فرانسه این نظریه را تعقیب میکرد که جناح راست دشمن را احاطه نماید ، و در عین حال از احاطه شدن جناح چپ خود جلوگیری کند .

در مرحله آغاز ماه اکتبر ، موضوع قدری مشکلترا میشد .

دولت بلژیک که با ارتش خود به آورس پناه برده بود ، از دولت فرانسه جداً تقاضا میکرد ، برای دفع قوای مهاجم ، شریک مساعی مستقیمی بعمل آید .

ولی فرماندهی کل پروی فرانسه ، در قبال درخواست های مکرر دولت بلژیک ، مدلل داشت ~~که~~ از شریک مساعی دولتین نتیجه قاطعی عاید نخواهد شد ، و مؤثر ترین کمکی که بتوان بارتش بلژیک نمود عبارت از همان ماوری است که اینک در جریان میباشد ولی پس از آنکه مسلم شد بلژیکی ها میتوانند بیش از این مقاومت کنند ، ژرال ژفر بانها اصرار کرد ~~که~~ از قلعه خارج شده و بقوای

انگلیس و فرانسه ملحق شوند. دولت بلژیک با این نظریه موافقت کرد. روز ۱۱ اکتبر، یعنی دو روز پس از سقوط آنورس، ارتش بلژیک که تلفات زیادی داده بود بوسیله ۸ هزار نفر ملوان انگلیس تقویت شده بمنطقه اُستانده- نیوپورت- دیکسمود- لورو (Ostende-Nieuport-Dixmude-Thourout) وارد گردید. عقبدار ارتش بلژیک که رابطه اش از طرف دشمن قطع شده بود به هلند پناه برد، ولی عمده قوای بلژیک نواست با کمک متفقین (لشکر ۷ پیاده و لشکر ۳ سوار نظام انگلیس و ۶۰۰۰ نفر ملوان فرانسه) عبور کند این قوا، بفرماندهی ژنرال راولینسن (Rawlinson) کان (Gand) را حفاظت مینمود.

از طرفی هم، از ۲۹ سپتامبر، مارشال فرنیچ از ژنرال ژوفر تقاضا میکرد قوای انگلیس را بجناح چپ آرایش منتقل کند بعات آنکه در آن منطقه آزادی عمل بیشتری داشته و انتظار قوای امدادی مهمی را دارد و خط مواصلات اوهم با انگلستان سهلتر و کوتاه تر خواهد شد.

اگر هم دلائل مارشال فرنیچ صحیح مینمود، ولی موضوعی که منشاء تقاضای او بود موضوع بسی مشکلی بود. این موضوع عبارت از این بود که هر چه زودتر قوائیکه در جبهه نازه مستقری درگیر بودند تعویض گردیده و بناحیه لیل (Lille)، یعنی بمنطقه جدید عملیات، منتقل شوند. واحد هائیکه بتدریج میرسیدند میبایستی با کمال فوریت در صحنه جدید عملیات تنسيق یابند، و همین فوریت ایجاب میکرد ژنرال ژوفر از مارشال فرنیچ تقاضا کند که او نیز قوای خود را مثل قوای فرانسه در عملیات داخل نماید. فرمانده نیروی انگلیس پیشنهاد ژنرال ژوفر را پذیرفت، ولی در عمل پیشنهاد مزبور عملی نشد؛ چه سپاه ۲ انگلیس، که در ۱۵ اکتبر بجنوب آن رسیده بود فقط در روز ۱۲ در حدود لا باسه (La Bassée) داخل عمل گردید، و سپاه ۳، که بناحیه هازبروک (Hazebrouck) انتقال یافته بود، از ۱۲ تا ۲۰ در آن محل بیحرکت ماند.

در هر صورت، از ۱۰ اکتبر، نیروی فرانسه- انگلیس- بلژیک در صحنه عملیات

واحدی جمع شدند و برای مقصود مشترکی داخل عمل گردیدند . ولی این تجمع قوای متفقین اشکال جدیدی را تولید میکرد و آن موضوع وحدت فرماندهی بود که تا سال ۱۹۱۸ لاینحل ماند .

فرمانده کل فرانسه ، از اکتبر ، ژنرال فوش (Foch) را مأمور نموده بود عملیات ارتش ۲ و ۱۰ را در مغرب اوآز هدایت نماید .

پادشاه بلژیک با جوانمردی و همتی بلند اظهار کرده بود که « با کمال خوشوقتی » حاضر است از فرمانده کل نیروی فرانسه اخذ دستور نماید .

انگلیسها نیز با کماز میل از پیشنهادات ژنرال فوش که خدمت «تنظیم مساعی» را بر عهده داشت متابعت میکردند .

بدین طریق ، موضوع فرماندهی واحد بنحو «دوستانه» ولی بشکل موقت و غیر کاملی حل شده بود .

مرحله سوم

اکنون ، بایستی خلاصه عملیاتی که از ۱۵ اکتبر شروع شده و آخرین کوشش دو حریف متخاصم را ، در این « مسابقه بطرف دریا » نشان می داد ذیلاً شرح داده شود :

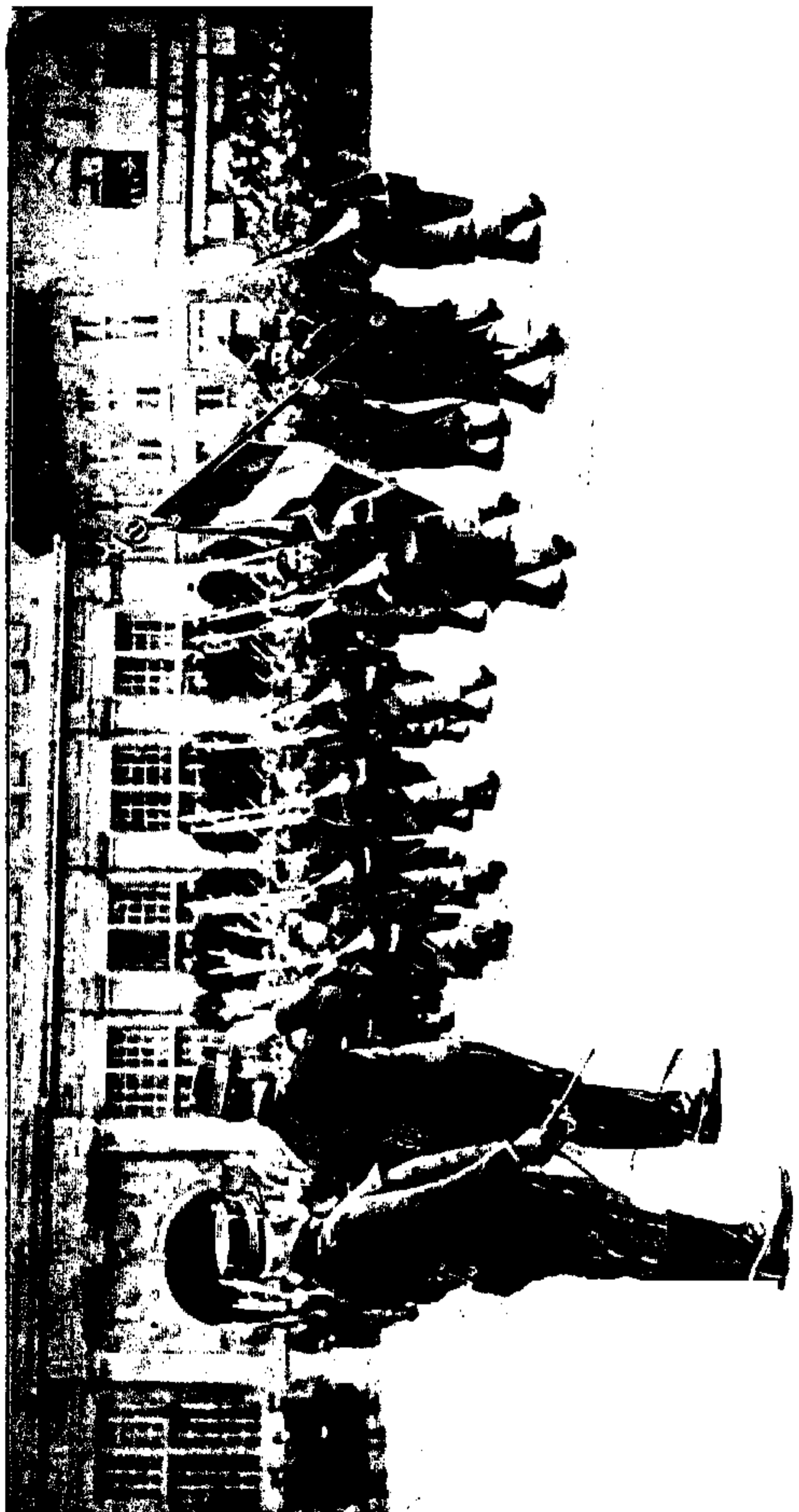
در این تاریخ قوای متفقین بترتیب ذیل قرار گرفته بود :

ارتش بلژیک : از نیوپور نادیکسمود (Nieuport-Dixmude) که در نقطه اخیر بوسیله تپ ملوانان دریا سالار رنارک (Ronarc'h) پشتیبانی میشد .

قوای سوار نظام میتری (Mitry) مأمور پوشش پهلوی چپ ارتش انگلیس در باشن داله (Paschendaële) و جنگل هوتولست (Houthulst) بود . دولشکر پیاده نظام پاسبان دونکرک (Dunkerque) که در ایپر (Ypres) تکیه گاه محکمی تشکیل میدادند .

ارتش انگلیس : سپاه راولینسن (Rawlinson) در مشرق ایپر ، در جبهه ژنیک گلوول - هلبک (Zonnebecke-Gheluvelt-Hollebecke) .

سپاه سوار نظام انگلیس : در مسین (Messines) .



دانشجویان در روز ۱۳۰۲ در فونن (Funes) ایس. آر. اعطاء امیران جنگی به هنگام ۷ خودکده شبانه روز
یکم و بیست و نهم در فونن (Funes) ایس. آر. اعطاء امیران جنگی به هنگام ۷ خودکده شبانه روز.

سپاه ۳: در آرماتیر - 'فلر به - رودبوا (Armentières - Fleurbaix - Rue du Bois)

سپاه سوار نظام فرانسه فرماندهی ژنرال کونو (Conneau): در فرومل (Fromelles)

سپاه ۲: در نوشاپل - ژیوانشی (Neuve-Chapelle-Givenchy).
ارتش ۱۰ فرانسه: از ژیوانشی بطرف آراس و ماوراء آن.
در تاریخ ۱۳، فرمانده کل نیروی فرانسه تصمیم بتعرض میگردد، بدین طریق:
جناح چپ ارتش ۱۰: در سمت محور لیل - تورنه (Lille-Tournai).
ارتش انگلیسی: از جناح راست متکی بمحور سابق الذکر، و از جناح چپ در سمت محور بایول - کورتز (Bailleul-Courtrai).

سپاه راولینسن در سمت محور روله - کورتز (Roulers-Courtrai).
ارتش بلژیک: با حفظ جبهه تورو - 'استاند (Thourout-Ostende)، مأمور پوشش جناح چپ متفقین،

بطور اختصار، منظور فرماندهی فرانسه این بود که در سمت ناحیه وسطی رود اسکو (Escaut) عملیات مشترکی متمرکز گردد.

چنانکه گفتیم، قوای متفقین از اختلاط قوای ملل مختلفی (بلژیکی - انگلیسی و فرانسوی) تشکیل یافته بود. (مابین قوای انگلیس، واحدهائی یافت میشد که هنوز آتش را ندیده بودند)، قوای فرانسوی نیز عبارت بود از سپاههای تحت السلاح، لشکرهای سوار نظام، لشکرهای پاسبان که تدریجاً میرسیدند و بمحض ورود، بصحنه عملیات مأمور میشدند.

آلمانها نیز، در همان موقع در صدد بودند آخرین تعرضی، مرکب از دو عمل در جناح چپ متفقین اجرا نمایند، و در اجرای ایندو عمل کاله (Calais) را هدف عملیات خود قرار داده بودند:

از ایندو عمل یکی که برای عقب راندن ارتش بلژیک پشت ایزر (Yser) بود، بریاست پرنس دو وورتمبرگ، فرمانده ارتش، و ژنرال فن فابک (Von Fabeck)

بین دریا و رود لیس (Lys) اجرا میشد .
عمل دیگر بمنظور جدا کردن فرانسویها از انگلیسها بوسیله شکافتن جبهه
متفقین در شمال آراس بریاست و لیمهد باویر ، فرمانده ارتش ۶ ، اجرا میکردید .
جمعا ۳۰ لشکر و ۴ قوای سوار آلمان اقدام بتعرض میکردند .
ولیمهد باویر ، سربازان را تشجیع میکرد ، باین مضمون : « آن موقع فرا
رسیده است که ارتش ۶ از محاربات سختی که اینک چند هفته است در جناح راست
قوای آلمان دوام یافته است عاقبت نتیجه قاطعی بدست بیاورد ، لذا پیش برویم ،
تادشمن را مغلوب و بکلی منهدم سازیم » .
امپراطور آلمان هم ، در موقع جریان این محاربات که نبرد فلاندر نامیده میشود ،
شخصا حضور داشت ، چه آلمانها منتظر بدست آوردن فتحی بودند که عدم موفقیت
نبرد مارن را جبران کند .

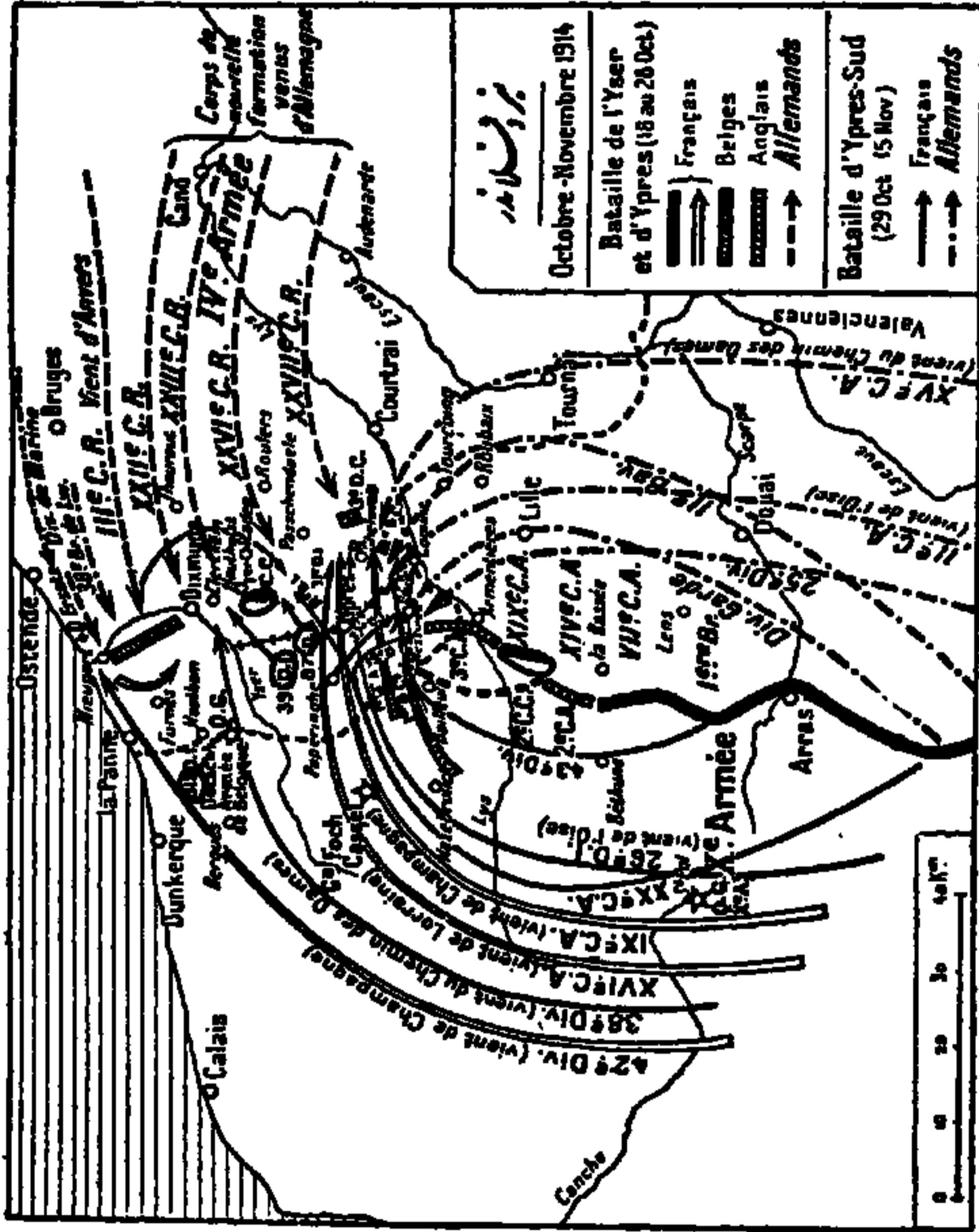
بدینطریق ، هر دو حریف متخاصم در آن واحد بتعرض مبادرت نمودند :
اینک يك نبرد تصادفی شروع میشود .

نبرد ایزر

حملة آلمانها بوسیله نهاجمی در طول ساحل شروع میگردد . ارتش بلژیک
از طرف قوایی که توپخانه سنگین در اختیار داشت مورد هجوم واقع گردیده بود .
بلژیکی ها بسمت ایزر (Yser) و بعد بطرف راه آهن دیکسمود - نیویر عقب
نشستند . در آنجا هجوم ۱۲ روزه آلمانها در قبال مقاومت متفقین درهم شکست :
قوای متفقین به ۱۴'۵۰۰ نفر محدود شده بود ، ولی لشکر ۴۲ ییاده نظام و ملوانهای
فرانسه قوای فرسوده متفقین را تقویت کردند و با این وصف بالاخره باز کردن
سدها ضرورت پیدا کرد ، تا عاقبت طغیان آب بین رودخانه و راه آهن هجوم آلمانها را
متوقف ساخت .

نبرد لابیسه

تقریباً در همان موقع ارتش ۶ آلمان در ناحیه لابیسه (La Bassée) برای



الخط الحربي ١٩١٤



آنانا در نبرد «فلاندر»
(عقده صلح ۱۷۶۱)

شکافتن جبهه بین ارتش انگلیس و ارتش ۱۰ فرانسه کوشش میکند. متفقین پس از ۶ روز محاربات شدید موفق شدند مساعی آلمانها را مختی کنند.

بین دو میدان جنگ: «ایزرو لایسه»، که در آنجا باز حمت زیادی جلوی دشمن گرفته شده بود، قوای انگلیس و فرانسه در سمت برآمدگی ایپر (Ypres) پیشرفته، روز ۱۸ اکتبر، بجبهه وروویک - روله - کر تمارک (Werwicq - Roulers - Cortemark) رسیدند. ولی عقب نشینی متفقین فرانسه بکنار «ایزرو» این تعرض را متوقف ساخت. فرماندهی فرانسه قوای امدادی رسانیده و مصمم شد ارتش ۸ را بجبهه روله - نورو (Roulers - Tourout) سوق دهد و در عین حال انگلیسها هم دشمن را بطرف لیس (Lys) برانند.

ولی دشمن هم در این موقع قوای امدادی برای خود تهیه کرده بود؛ نخست قوایی که از جبهه «ایزرو» برداشت نموده بود، بمناسبت اینکه در آنجا طغیان آب استفاده از آنها را ممنوع میکرد. سپس سپاههای جدیدیکه میبایستی مداخله آنها بتایب قاطعی منتهی گردد. از ۲۶، آلمانها برآمدگی «ایپر» را از هر دو سمت مورد تعرض قرار دادند، مخصوصاً از سمت جنوب، که اندکی هم، مورد تهدید سختی واقع گردید.

روز ۴ نوامبر، فرماندهی فرانسه از هر گونه تعرض صرف نظر کرد؛ زیرا رسیدن قوای احتیاط برای طرفین متخاصم مانع از این بود که فرانسویها از لحاظ میزان قوا فوق پیدا کنند. آلمانها بتصور اینکه مقاومت طرف تحلیل رفته است در ایام ۶-۱۱ نوامبر، بحملات شدیدی مبادرت نمودند ولی در تمام نقاط از آنها جلوگیری شد.

بالاخره آلمانها متوقف گشتند؛ زیرا قوای احتیاطی آنها بمصرف رسیده و از حیث مهمات هم مانند متفقین دچار مضیقه شده بودند.

موقع استقرار جبهه فرا رسیده بود؛ زیرا ژنرال ژرژ در ۱۱ نوامبر، ضمن ارسال صورت واحدهای امدادیکه برای ژنرال فوش اعزام میداشت اظهار میکرد که این واحدهای اعزامی عبارت از آخرین قوای احتیاطی نیروی فرانسه می باشد.

مقارن ۱۵ نوامبر ، نبرد مزبور خانمه یافت و جبهه از دریا تا لیس ، و از لیس تا اوآز (Oise) ، از اوآز تا موز (Meuse) ، از موز تا سویس مستقر گردید .
طرفین در سنگرها فرود رفته و جنگ موضعی برای مدت طولانی در جبهه غرب شروع شد .

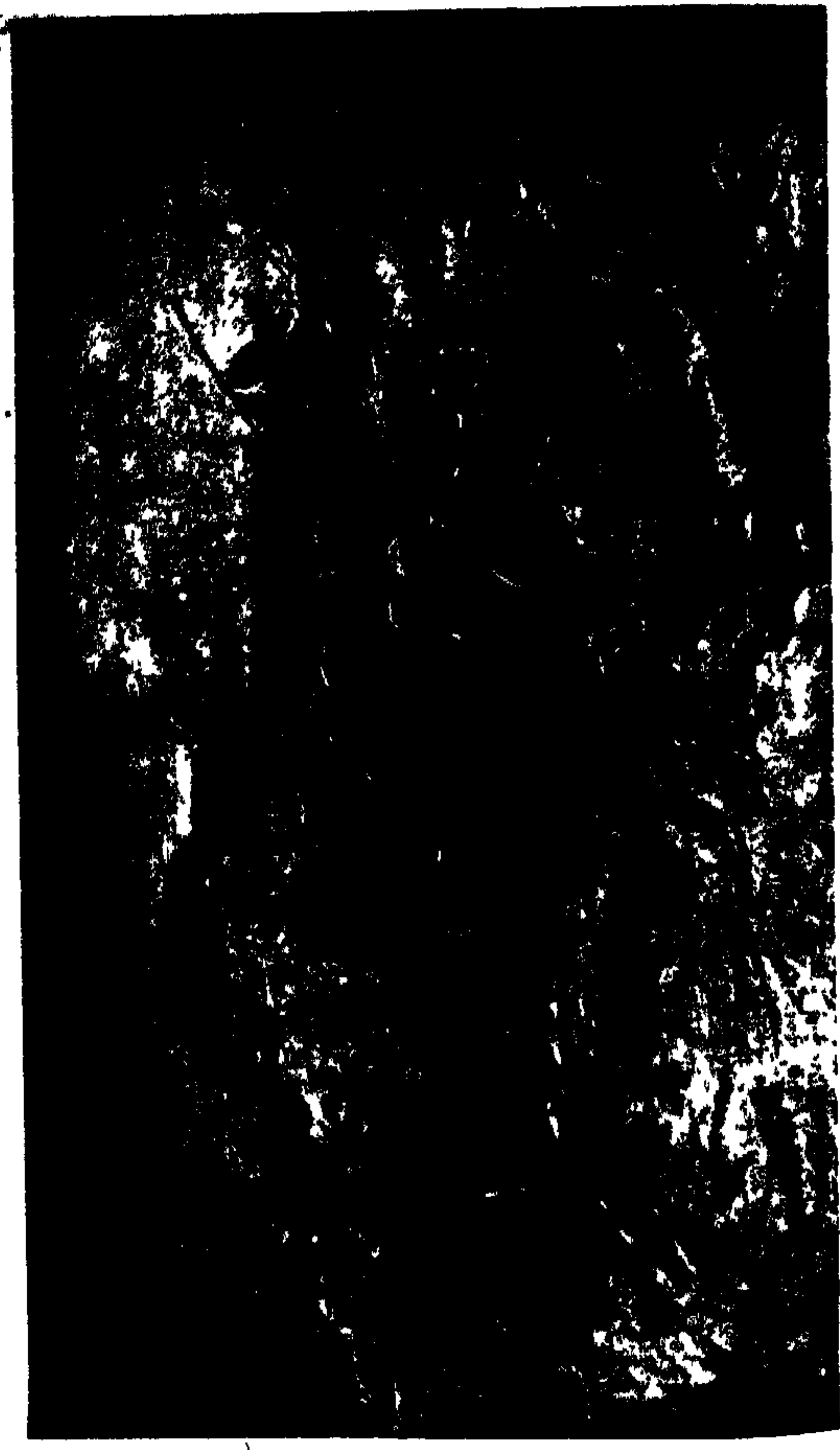
نتیجه

عملیات « مسابقه بطرف دریا » نمونه ایست از یکسانی فکر و وحدت نقشه استراتژیک طرفین . ارتشهای متخاصم از تجاوز جناح یکدیگر که در فضای محدود و با قوای برابری ، آنها با بودن راه آهن های مفصل ، نتیجه غیر منتظری بدست آوردند : چه با آن اوضاع دیگر جناحی در کار نبود . تلاش طرفین برای تجاوز جناح یکدیگر باعث یکسانی طرز مبارزه گردید . و آن طرز مبارزه عبارت از شکافتن جبهه طرف مقابل بود . بدیهی است هر گاه قوای آنها تحلیل نرفته و محتاج باستراحت نبودند قطعاً طرفین باین عمل مبادرت میکردند ، ولی ضرورت تازه کردن نفس باعث شد که طرفین در تحکیم موقعیت خود اقدام نمایند . لذا این موضوع طرز دیگری را برای مبارزه ، که با جنگ مانوری سابق متباین بود ، ایجاد مینمود .
« مسابقه بطرف دریا » نشان داد که قوای طرفین برابر است و توده های ارتشهای آنها قدری عظیم و قابل انعطاف است که خانمه سریع جنگ را با آن کیفیات غیر ممکن میسازد . پس میبایستی از صناعت جنگ یک اسلوب جدیدی بجای « اسلوب گازانبری شلیفن » ، که نتیجه آن مانند هر نظریه یک جانبه ای رضایت بخش نبود ، خواسته شود . این بود که اروپا مجبور ب « جنگ طولانی گردید و مرکز ثقل جنگ بتوسعه و بسط وسایل فنی متوجه شد .

نتیجه جنگ سال ۱۹۱۴ در جبهه غرب

فرانسویها نتیجه جنگ سال ۱۹۱۴ را در جبهه غرب بطریق ذیل شرح میدهند :
« از وقایعی که در جریان سال اول جنگ در جبهه غرب رخ داد چه نتیجه ای میتوان گرفت ؟
در پایان ۱۹۱۴ ، آلمانها ، در پشت رشته های سیم خاردار ، سنگر هایی که

مرد فلاختر - ساه بكم اكلير تر مقابل اير (Ypres) باكارد پروم مشمول جنگ است



بیرد فلاندر - آلمانها در زیر آتش متفقین



جلوی وردن و رنس (Reims) را میپوشانید و شامل نواین (Noyon) و لیل (Lille) و قسمت اعظم بلژیک بود فرورفته بزمین چسبیدند . بدینوسیله امیدوار بودند که راجع بشکست نظامی خود نه فقط ملت آلمان بلکه دول بیطرف و حتی دشمنان خویش را فریب بدهند .

آیا باخت آلمانها در این نبرد نظامی مسلم بود ؟
برای جواب این سؤال کافی است که بنقشه اولی آنها مراجعه شود :
بایستی ارتش فرانسه را سریمامضحل نموده ، سپس بطرف روسها برگشت و اینهارا هم ازین برده دنیا را وادار بصلح نمود .

آیا این نقشه را توانستند عملی کنند ؟ لحظه ای امید اینکار را داشتند . ولی نبرد مارن در قسمت راجع باضمحل ارتش فرانسه امید آنها را مبدل بیأس نمود . فقط در ۱۹۱۸ ، وقتی که روسها را با رویه هائی که هیچ جنبه نظامی نداشت ، ازین بردند دوباره بمقصد کوچگری متوجه شدند که عبارت از انمام کار بلژیک و تصرف سواحل فرانسه و ایجاد نقطه انکاء بحری در دونکرک (Dunkerque) و کاله (Calais) برضد انگلیس بود . آیا در انجام ماور دومی خود موفقیت یافتند ؟
« نبرد فلاندر » عدم موفقیت آنها را در اقدام تاوی نشان داد .

خلاصه ، ورق برنده آلمانها بطوری که فن یاگو (Von Jagow) به سرادوار گشن (S. Ed. Goschen) ، سفیر انگلیس در برلن ، اخطار کرده بود عبارت از « عمل بسرعت » بود ، ولودندرف در خاطرات ۱۹۱۲ خود ، بدترین خطر هائیرا که پیش بینی میکرد جنگ موضعی بود . تمام نقشه آلمان برای اجتناب از این خطرین طرح شده بود اما این خطر عملی گردید .

* *

صحنه شرق : عملیات در لهستان و کنار رودخانه « سان »

نخلیه پروس شرقی توسط رنن کامپف و آزاد شدن ارتش ۸ آلمان از طرفی ، وشکست ارتش اطریش ونمرکز قوای زیاد روس در فضای بین « ویستوله » و « لایبرگه »

از طرف دیگر ، لزوم تهیه نقشه های جدید و تقسیم بندی قوا را ایجاب میکرد . در نیمه سپتامبر فرماندهی روس و فرماندهی آلمان و اطریش مشغول اقدامات فوق شدند . نقشه های طرفین متخاصم از آغاز کار صورت قطعی بخود نگرفته بود و بنا بر مقتضیات تدریجاً تکمیل میگردد .

ابتکاری را که فرماندهی آلمان در آغاز امر ظاهر ساخت ، تدریجاً با تغییراتی ، تابع ابتکار فرماندهی روس گردید چه روسها در این مرتبه ابتکار قویتری از خود بروز دادند .

نقشه آلمان و اطریش

شکست ارتش اطریش و عقب نشینی آن بطرف کارپات نهاجم ارتش روس را به موراوی (Moravie) و بعد بسیلری علیا امکان پذیر می نمود . بعلاوه ارتش اطریش پشتیبانی نزدیک آلمان را خواستار بود . این دو نکته سبب شد که فرماندهی آلمان ، با اطمینانی که از عدم امکان تعرض جدید روسها پروس شرقی داشت ، مصمم شود که قسمت عمده ارتش ۸ آلمان را بسیلری علیا برای تشریک عملیات با اطریشها در تعرض جدید انتقال دهد .

قوانینکه در پروس شرقی باقی میماند کلیه با قسمت های احتیاط و لاندور و ساخلوی قلاع بالغ بر چهار سپاه بود . پنج سپاه ویک لشکر سوار ، برای ترکیبات ارتش ۹ که تحت فرماندهی هیندنبورگ تشکیل یافته بود ، بجنوب اعزام شد و قرار بود که سپاه لاندور و ویرش (Woyrch) هم که در بردگالیسی شرکت کرده بود بآن اضافه شود که جمعاً بالغ بر ۶ سپاه گردد .

آلمانها تصمیم گرفتند که ارتش ۹ را در جبهه بوئن - پلشن (Beuthen - Pleschen) گسترده ، دو سپاه را در کراکوی (Cracovie) برای تقویت روحیه اطریشها قرار دهند . ارتش اطریش که از زیر ضربت روسها خارج شده بود در جبهه کراکوی - تارنوو - کرمینا ، قرار گرفته (ارتش یکم و چهارم) و بوسیله رود ویسولو کا (Wysłoka) خود را پوشانده بود ، در سلسله کوههای کارپات ارتش اطریش از کرمینا در خط اوژلف ویشکوو (Oujok-Wichkow) قرار

گرفته بودند (ارتشهای ۲ و ۳ یعنی ارتش های پفلانسر (Pflanzer) .
نقشه اولیه فرماندهی آلمان و اطریش برای عملیات متکی بر امیدواری از ادامه
تعرض روسها بسمت جنوب در ساحل راست «ویستول» بود . قرار شد که برای وارد
ساختن ضربت اصلی نیروی روس تمام ارتش اطریش هنگری (که بیش از ۴
لشکر بود) وارد عمل گردد و با تعرض جدی خود پرمیشل (Przemysl) را از
محاصره روسها نجات دهد ، و پس از عبور از «سان» روسها را از جانب شرق احاطه
کند . قسمتهای متوقف در «غرب «ویستول» ، یعنی ارتش ۹ آلمان ، بنا به اظهار
لودندرف مأموریت دفاعی داشته و نهایت مقصودش رسیدن بروسها در حدود ویستول
بود . بدیهی است ، که در صورت توفیق یافتن اطریشها ، قوای آلمان بمأموریت
دفاعی اکتفا نکرده و پس از عبور از ویستول بعقب و جناح روسها حمله ور میشدند .
ولی لودندرف راجع باین موضوع دریادداشتهای خود ذکر کرده است .
بر طبق نقشه بدوی مأموریتهای نخستین که بارنشهای متحدین وا گذار شد از
قرار ذیل است :

ارتشهای ۲ ، ۳ و ۴ اطریش مأمور شدند که در جبهه «پرمیشل - ساندومیر» بطرف
«سان» تعرض کنند ، ارتش یکم و سه سپاه آلمان که از «کراکوی تا کاتوویتس»
(Kattowitz) آرایش داشت ، بسمت شمال «ویستول» بجبهه باریک ساندومیر -
اوستروویتس (Ostrowiec) اقدام بتعرض کرده ، و در سمت چپ او برای
حفظ پهلو ، دوسپاه دیگر بحال رده بسمت جبهه بزین - رادم (Bzin-Radom)
پیش بروند .

در سمت شمال تا ویستول پوشش پهلو به لشکر سوار و قسمت های لاندشتورم
و گارد سرحدی محول بود .

این طرز تقسیم بندی و این انتخاب سمت برای تعرض قسمت عمده نیروی آلمان
و اطریش از ساحل چپ «ویستول» بخضای باریک بین «ساندومیر» و «اوستروویتس» کاملاً
نقشه حقیقی آلمان و اطریش را نشان میدهد که در صدد بودند ، در کنار «سان» ، ارتش
روس را در کیسه «به اسلوب شلیفن» داخل کنند .

در این عملیات ، ارتشهای آلمان و اطریش تحت فرماندهی واحدی قرار نگرفته بود .

عملیات نخستین آلمانها و اطریشها (نقشه شماره ۱۵)

قبل از آنکه نقشه تدریجی فرماندهی روس را شرح دهیم ، چند کلمه راجع به عملیات نخستین آلمانها و اطریشها متذکر میشویم ، چه عملیات مزبور در تنظیم قطعی نقشه روسها تأثیر بخشید .

گروه ارتشهای آلمان و اطریش از ساحل چپ ویستول روز ۲۸ سپتامبر شروع به تعرض مینماید در حالیکه گروه ساحل راست فقط روز ۵ اکتبر بسور از رود ویسولوکا (Wysloka) پرداخت . گروه ساحل چپ ، روز ۳۰ سپتامبر ، قوای مهم سواره نظام روس را بهسولت عقب راند و بهخط مصب رودخانه نیدا - خملنیک - اکتسی - بژدبورژ - پتروکوورسید - (Nida-Chmielnik-Kielce-Przedborz) (Petrokow) ، یعنی در جلوی ارتش اطریش واقع گردید . تعیین علت این پیشروی قبلی جناح چپ آلمانها مشکل است چه این پیشرفت ابداء ارتش روس را بطرف جنوب «سان» ، بطوریکه منظور اساسی نقشه آلمان بود ، جلب نمیکرد . اگر فرضاً هم روسها بخیال ادامه تعرض خود بسمت جنوب مباداند این اقدامی که گروه توانای آلمان نموده و بجهت «نیدا» پتروکوو ، جلورفته بود ، طبعاً توجه روسهارا بساحل چپ ویستول جلب میکرد .

نقشه فرماندهی روس (نقشه شماره ۱۵)

در تشکیلات فرماندهی کل ارتش روس مختصاتی وجود داشت که نسبت بوحدت فرماندهی ابداء مفید واقع میگردد : تمام نیروی روس در صحنه غرب ، بر حسب فضائی که تحت اشغال داشتند ، بدو گروه (یا جبهه) تقسیم شده بود . نظر به مختصاتی که در اخلاق فرمانده کل و رئیس ستاد نیروی روس وجود داشت و با مشی دو فرمانده جبهه مغایر بود لذا غالباً بین آنها در مسائل نظامی و عملیات

جنگی اختلافانی تولید میگردید. گراندوک نیکلا فرمانده کل نیروی روس که در ظاهر شخصی خشن و شدید العمل بنظر میرسید، غالباً تحت نفوذ اطرافیان خود واقع شده و با داشتن رئیس ستادی مانند ژنرال یانوشکویچ که از لحاظ اخلاق، تجربه و معلومات برای آن شغل تناسب نداشت، معمولاً با افکار محدود استراتژیک و خود خواهانه فرماندهان جبهه (روزسکی و ایواکف) که فقط منافع جبهه خود را در نظر داشتند، مواجه می شد و در کشمکش واقع میگردد ولی غالباً بر خلاف نظر صحیح نظامی رفتار میکرد و در برابر ایشان تسلیم میشد.

اصولاً گراندوک در اختلافات دخالت کرده و برای اتخاذ راه حل و ایجاد وحدت نظر بین فرماندهان اقدام مینمود.

بهین جبهه نقشه عملیات قریب الوقوع با زحمات زیادی تنظیم شد و فقط پس از حصول موافقت و تأخیر زیاد صورت قطعی پیدا کرد.

نقشه های نخستین جبهه ها (در اوایل سپتامبر) عبارت بود از عقب نشینی ارتشهای جبهه شمال غرب پشت خط رودخانه های نمان - نیر (Niemen-Bohr) بطرف «نارو» و از عرض ۳ ارتش جبهه جنوب غرب بجانب «کراکوی» در ساحل راست «ویستول». مرکز فرماندهی، ۲۲ سپتامبر، عقب نشینی روزسکی را متوقف ساخت بعلاوه باو امر کرد که دو سپاه برای تقویت قوای ورشو روانه کند و از گروه ایواکف هم يك ارتش گرفت (ارتش ۴)، و امر داد که بسمت ابوانگورد (Iwangorod) اعزام گردد. در واقع فکر انتقال عملیات بساحل چپ «ویستول» از روز ۲۲ سپتامبر صورت وقوع میافت، یعنی هنگامی که در فرانسه عملیات «مسابقه» بطرف دریا، جریان داشت و ستاد روس هم هنوز از انتقال ارتش هیندنبورگ بسمت جنوب بی اطلاع بود.

از این عملیات روسها نیز مشهود میگردد که آنها بمنظور کمک فرانسه در صدد بودند ضربت را بحساس ترین سمت آلمانها وارد سازند، در موقیبه که برای

متفقین ایشان اوضاع مساعد میگرددید. معاهده فرانسه و روس هنوز مرکز فرماندهی روس را در مضیقه داشت، ولی اعزام بموقع ارتش؛ بسمت شمال از فکر فرماندهی آلمان در تهیه کیسه، بین «ویستول» و «سان»، برای نیروی روس، جلوگیری میکرد. ژنرال ایوواف همینکه یک ارتش از حدود «سان» از او گرفتند و از انتقال ارتش آلمان هم بجنوب یقین حاصل کرد، مصمم شد که ارتش را با ساحل چپ ویستول، بشمال «سایدومیر»، سوق دهد، که بر حسب مقتضیات، به «کراکوی» و «پابه» «کالیش»، (Kalich) حمله ور شود. ژنرال روزسکی نیز بالاخره بفکر عملیات تعرضی افتاد و در اثر تقویت جبهه خود، مصمم شد که مجدداً خط دریاچه های «مازوری» را تصرف کند. پس از تطبیق منافع ایوواف و روزسکی فرمانده کل روس روز اول اکتبر دستوراتی صادر کرد که نقشه قطعی عملیات را معین مینمود

روسها گروه دشمن را در ساحل چپ و مخصوصاً جناح چپ او را که به «لدز» (Lodz) و «کلنسی» (Kielce) رسیده بود خطرناکتر میپنداشتند. و برای درهم شکستن این گروه طرح ضربتی مضاعف؛ یکی از طرف جبهه (یسنی از جایب ایوانگورود - سایدومیر) و دیگری از سمت جناح (یسنی از طرف ورشو) در نظر گرفتند. لذا بارتش یکم و دهم امر شد که بانعرض خود عملیات ناحیه «ویستول» را از طرف بروس شرقی تأمین کند - ارتش دوم که در ورشو تمرکز مییابد، بجناح دشمن حمله ور شود - ارتشهای ۹ و ۱۰ که بموجب نقشه اولیه بشمال اعزام شده بودند، از خط جبهه بتعرض مبادرت نمایند - ارتش ۵ که بجای ارتش ۹ کنار «سان» برقرار شده بود از عملیات پشتیبانی کند - ارتش ۳ و ۸ رودخانه «سان» و محاصره «پرمیشل» را پوشانده و تمام عملیات را از جایب مجارستان تأمین نماید. اداره تمام عملیات در لهستان و گالیسی بمهده ژنرال ایوواف واگذار شد.

هنگام صدور این دستورات ارتشهای روس هنوز در مرحله تقسیم بندی بودند و در آغاز تعرض کاملاً آماده نبودند. در روز اول اکتبر در مواقع ذیل قرار گرفته بودند:

ارتش ۲ : در کنار «نار و» ، در «ورشو» فقط - پاه ۲/۷ وجود داشت و سپاه ۲ سیبری هم بان ملحق میگردد ، ارتش ۴ : در حال راه ییمائی بین «ایوانگورود و آوویل» (Annopol) بود ؛ ارتش ۹ . مراجعت خود را از سان خاتمه میداد ؛ ارتش ۵ : جانشین آن کنار «سان» میگردد ؛ ارتش ۳ و ۸ : در قسمت وسط «سان» بین «پرمیشل» و رود «دنستر» قرار گرفته بود .

بدین طریق ژنرال ایو اف کاملاً از روی دقت روز دوم اکتبر دستور رویه انتظاری صادر کرد . بتمام ارتشها امر شد که در خط «ویستول» و «سان» دفاع کنند ، و ارتش ۵ بمنظور احتیاط بناحیه «لوبلین - کراسنیک» برود .

نتیجه

باین ترتیب ، از ۶ ارتش جبهه جنوب غرب روس ، ارتش مأمور عملیات عامل در ساحل چپ «ویستول» و دو ارتش مأمور دفاع «سان» شدند ، ضمناً ارتش ۲ با آرایشی که اتخاذ کرده بود نسبت «جناح احاطه کننده آلمان مسلط بود .

از طرف مقابل میبایستی قسمت بیشتر نیرو از جانب «سان» و قسمت دیگر در ساحل چپ «ویستول» عملیات پردازد .

نقشه لودندرف از آغاز امر واژگون گشت ، چه اساس آن روی تصور تعرض قوای روس از طریق ساحل راست «ویستول» بسمت «کراکوی» و بر روی امیدواری بیش از میزان حقیقی نسبت «صفت ارتش اطریش قرار گرفته بود . بالاخره آلمانها مجبور شدند که از همان آغاز کار آن نقشه را تغییر داده و ارتش اطریش را تدریجاً بجانب شمال سوق دهند .

مزیت نقشه آلمانها عبارت از اغتام فرصت بود که پیش افتادن آنها را نسبت بروسها بکار «ویستول» امکان پذیر میساخت که تحت پوشش آن تابع طبعی به اطریشها مجال توسعه تعرض دهند .

نسبت روسها بایستی متذکر شد که آغاز انتقال ارتش آنها «جانب «ایوانگورود» بموقع بوده (از ۲۲ سپتامبر) و بزودی خاتمه می پذیرفت . روسها در آن وضع

مجبور بودید که عملیات خود را با عبور از «ویستول» شروع کنید ، لذا برای آنها نگاهداری معابر و پاهای آن رودخانه در «ورشو» و «ایوانگورود» کاملاً ضرورت داشت .
و اساس عملیات آنها عبارت بود از مبارزه برای حفظ این دو نقطه .
لودندرف مینویسد : که نقشه گراندوک بسیار وسیع و برای ما بسیار خطرناک بود
و اگر روسها در اجرای آن موفق میشدند فتح روسیه ناهین میگردد .

اجرای عملیات (نقشه شماره ۱۶)

میتوان گفت که زیرا که در دست آوردن احکام روسها که حاکی از مقاصد و بیات ایشان بود حقیقتاً اعمال عربی داشت چه آنها در موارد سخت عیایات خود ، و اولاً دستورات هر ماندهی روس را موقع برد یک افسر مقول روسی می یافتند و از تمام نقشه روسها آگاه میشدند در این مورد هم ظیرواقعه قبل از اضمحلال ارتش سامسوف مشاهده میگردد .

آلمانها در کیف افسر مقتول روس احکامی که تمام نقشه گراندوک را معین میکرد بدست آوردند لذا با اطلاع صحیح از بیات روسها ، مادرت بمایات مینمودند (۱) .
این موضوع هیندبورگ را وادار کرد نقشه اولی خود را که اجرای آن شروع شده بود تغییر دهد .

فقط در ۴ اکتبر ، هنگامیکه گروه ساحل چپ آلمان و اطریش جنبه راوا -
نوا میاستو - ایلزا - او - ترویس (R iwa - Nowa Miasto I lsha () trowiec) رسید
و جلودار های ارتش ۹ ریس را عقب «ویستول» راند گروه ساحل راست ویستول
(ارتشهای ۲ - ۳ - ۴ اطریش) شروع به رخنه حجاب ویسلوکا (W ysloka)
نمود و چون از طرف روسها مقاومتی میشد ، روز ۹ اکتبر درودخانه «سان» رسید .
ولی پیشرفت بعدی اطریشها در ایجا حاتمیه یافت چه تمام کوششهای ایشان برای
عبور از «سان» دفع شد .

گروه هیندبورگ در ۸ اکتبر مقارن عصر جنبه ذیل را اشغال کرده بود :

(۱) - در سال ۱۹۱۵ در روسیه محاکمه کرد و راجع به محاکمه در جرمان بود .

از پلتسک تا اسکر نویسی (Plock-Skierniewice) قسمتهای لاندستورم،
لاندور و قسمتهای سرحدی و اشکر ۸ سوار . در جبهه « نوومیاستو - رادم »
۱/۲ سپاه و در ساحل ویستول از « ایوانگورود » تا « ساندومیر » ۳ سپاه آلمان و
یک ارتش اطریش استقرار یافت .

در سمت روسها تقسیم بندی قوا در « شرف خانمه » بود فقط گروه ورشو هنوز
تمرکز یافته بود، از ۶ سپاه اختصاصی ۱ سپاه آنجا وارد شد . حفاظت ممبرهای رودخا
در « ورشو » ، « ایوانگورود » و « پل » و « آلکساندریا » تأمین شده بود .
ژنرال هیندنبورگ ، پس از آشنا شدن با نقشه روسها ، که از کیف اسیرمقتول
روس بدست آمده بود ، مصمم گردید قبل از آنکه تمام نیروی اختصاصی روس در ورشو
مرکز یابد با حمله کند .

برای این منظور در ۹ اکتبر قریب دو سپاه بحباب « ورشو » و دو سپاه بسمت « ویستول »
بین « ورشو » و « ووالکسا » ریا ، اعزام گشت ، بقیه نیرو ، آمورشده که از « ویستول » بطرف
جنوب تا « ساندومیر » دفاع کرده و کار « مان » روسها حمله نماید .

ژنرال ایوواف هم نمونه خود تصدیق گرفت که « بمرض مادرت ورزد و زدیگری
هدف برای ارتشهای جناح راست خود تصرف ناحیه - محل چپ « ویستول »
و آرایش ارتشهای ۲ - ۴ - ۵ را در آنجا برای ادامه تعرض معین کرد . دستورات
صادر او راجع این موضوع در ۹ اکتبر ، کاملاً قابل تنقید بود : چه در آن دستورات
جزئیات وظایف قسمها را تعیین میکرد : کدام نقاط را چه ارتشهایی نایستی اشغال
کنند . در چه موقع ، و چه مدتی در آنجا توقف نمایند ، چه وقت باید پیش بروند .
در این مورد که لازم آمد در مقابل دشمن توانائی از « ویستول » عبور کنند مأموریتهای
چند ارتش مخلوط شده بود .

اصول دستورات ژنرال ایوواف عبارت بود از عبور ارتش ۴ در نزدیکی
« ایوانگورود - نووالکساندریا » ، ارتش ۵ در نزدیکی « گوراگاواریا - Goura)
(Kalwarja و جلورفتن ارتش ۲ .

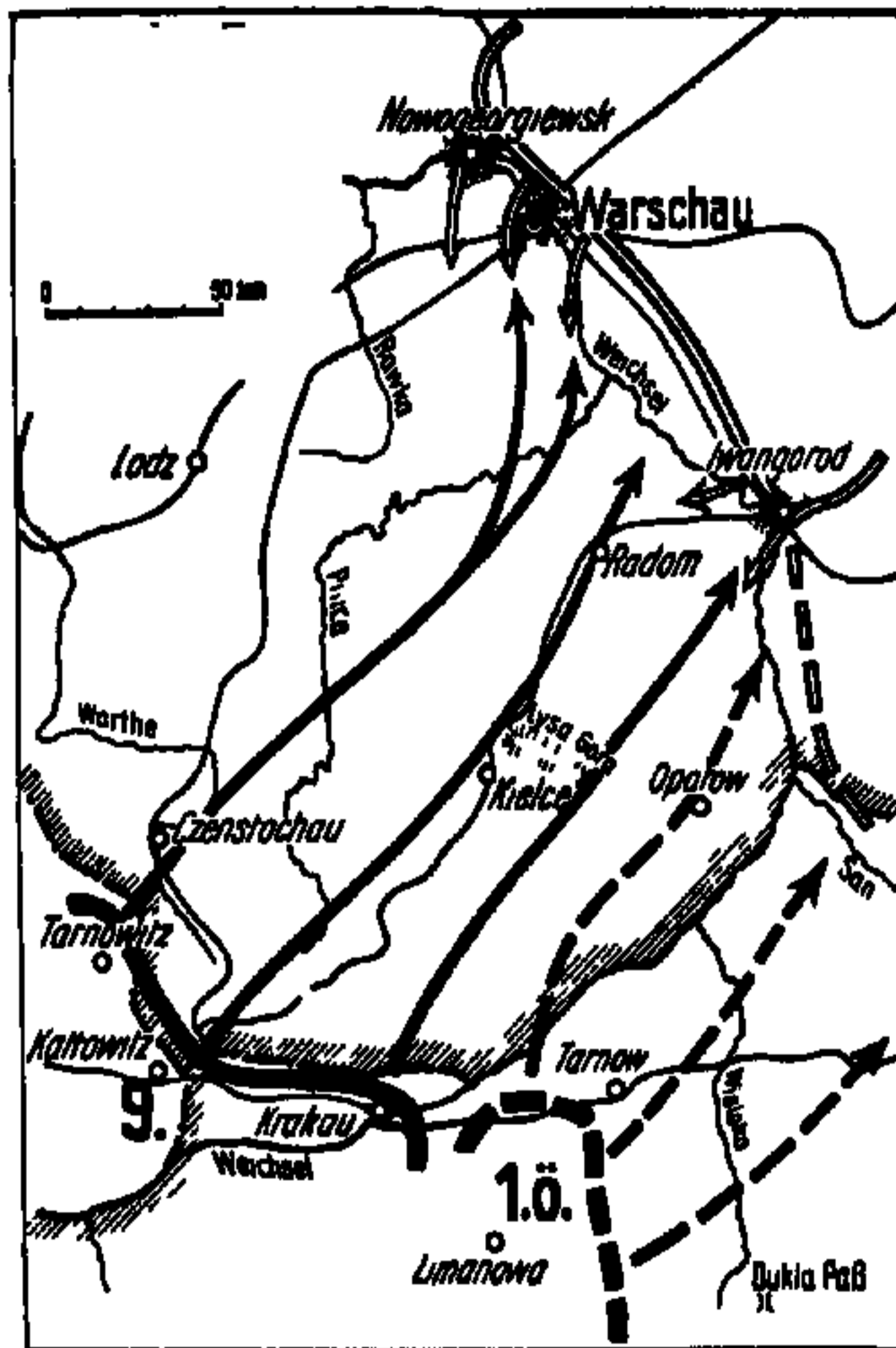
عملیات در روز دهم شروع شده و قرار بود که روز ۱۵ بآرایش ارتش های ۲ - ۵ - ۴ در جبهه «اسکر نویتسه - نوویا-تو - رادوم - رودخانه ابازانکا» منتهی گردد و سپاه سوار نظام نوویکوو (Nowikov) نیز در جناح راست بزرگ «لو بیچ - سوخاچوو» (Lowitsch-Sokhatchow) قرار گیرد ژنرال ایواف برای تهیه وسایل عبور از رودخانه یکی دو روز بفرماندهان ارتشها وقت داد .

دستورات طریقین بمحاربات خونین بین «ورشو» و «وو آلكساندریا» منجر گردید . عملیات جنگی در این حدود روز ۹ - ۱۰ اکتبر بوسیله تعرض جدی آلمانها بسمت ورشو شروع شد و از طرف سپاه های ارتش ۴ و ۵ روس برای عبور از «ویستول» در احیة «گورا کالواریا - وو آلكساندریا» کوششهای جداگانه بعمل آمد . کلیة در این جبهه عرض سه سپاه روس (۳ قفقاز - گرنادیه - ۲۳) شروع عبور نمودند و در مقابل آنها در سپاه آلمان (گارد احتیاط - ۲۰) مشغول عملیات بودند . بر ضد ورشو کلیة دو سپاه آلمان عملیات کرده و از طرف روسها نخست يك سپاه و سپس دو سپاه داخل در عمل گردید .

آلمانها تا کمال شدت به «ورشو» حمله ور شده و ۱۲ اکتبر بخط استحكامات موقوف شده رسیدند . روسها در نزدیکی «گورا کالواریا - کوزینتسه - وو آلكساندریا» (Goura-Kalwarja-Kosienitse-Nowo-Alexandryja) مبادرت بعبور از رودخانه نمودند و فقط در «کوزینتسه» توانستند خود را در ساحل چپ رودخانه نگاهدارند و پس از محاربات شدید ، بمنظور منحرف کردن پیروی آلمان از طرف ورشو ، تا ۱۹ اکتبر دو سپاه در آنجا تمرکز دادند .

پیشرفت سریع آلمانها در نزدیکی ورشو ، پس از ۱۲ اکتبر که قوای امدادی برای روسها رسید ، خاموش و راکد ماند ؛ در ۱۵ اکتبر آلمانها بزحمت دفاع بیکر شدند ، روز ۱۷ دریافتند که بایستی از «ورشو» عقب بنشینند .

در همان وقت در جبهه اطریش کارها صورت خوبی نداشت . نه فقط اطریشها توانستند از شمال «سان» و مشرق «پرمیشل» جلو تر بروند بلکه در شب ۱۸ اکتبر روسها



عملیات در جنوب لهستان

(اکتبر ۱۹۱۴)

(جدول صفحه ۱۸۸)

از رودخانه «سان» که برای اطریشها غیر قابل عبور بود گذشتند .

بدین طریق ، نقشه متحدین کاملاً و از کون گشت و تصرف «ورشو» برایشان میسر نشد و اطریشها در کالیسی مجدداً مجبور شدند تعرض را ترک گفته بدفاع بردازند .
در عین حال وضعیت آلمانها در پروس شرقی رو به بدی میرفت : در محاربات ۲۸ سپتامبر - ۴ اکتبر بین ماریامپول - اوگوستوو (Mariampol-Augustowo) ارتش ۸ آلمان شکست سخت خورده و مجبور شد با استفاده از پوشش دریاچه ها عقب نشینی کند . بالاخره آلمانها يك سپاه جدیدی بكمك آن ارتش فرستادند .

تمام این کیفیات هیندنبورگ را برآنداشت که از تعرض چشم پوشیده و بدفاع بردازد و بوسیله قوای اطریشها جناح چپ جبهه را تقویت کرده در صورت تعرض روسها مجدداً سعی کند برای آنها «دام شلیفن» را ولو بطور مختصر بگستراند .

بدین منظور تقسیم بندی های مفصل ، که بنا بود برای ارتشهای روس در حدود رود پیلیتسا (Pilitza) تهیه دام کند ، شروع شد . سپاه های آلمان از سمت «ورشو» بموضع مستحکم «اسکر نویتسی» - راوا - نوومیاستو» عقب نشستند ، سپاه های دیگر از طرف «ایوانگورود» در خطر رود «پیلیتسا» از «نرو میاستانا بلو برژکی» (Bjalobrshegi) استقرار یافتند ، ارتش یکم اطریش قسمت عمده قوای خود را بسمت رود خانه ایلژانکا (Iljanka) کشاند تا جناح راست روسها که از «ایوانگورود» خارج میشود حمله ور شود و اجرای این نقشه از ۱۹ اکتبر شروع میشود .

فرماندهی کل روس مجدداً از نقشه خود که عبارت بود از تعرض تمام ارتشها در يك موقع از جبهه با احاطه جناح چپ آلمانها صرف نظر کرد و نقشه پیشنهادی فرماندهان ارتشها را (پیشروی تدریجی و عبور از ویستول بحال رده از جناح راست) پذیرفت ، بدین طریق هر سپاهی که زودتر میگذشت عبور سپاه دیگر را تأمین مینمود . این نقشه که از روی احتیاط زیاد تنظیم شده بود باعث اتلاف وقت و عملیات جز به جز میگردد و فقط بنفع آلمانها تمام میشود . اجرای آن نقشه موکول بروز ۱۹ - ۲۰ اکتبر گردید .

در نتیجه محارباتی که بوقوع پیوست وضعیتی بر خلاف امیدواری هیندنبرگ ایجاد شد و آلمانها نتوانستند از دامیکه بطور مصنوعی در حدود «پولیتسا» جبهه روسها گسترده بودند مانند قضیه سامسوف نتیجه بگیرند. تعرض سپاه های روس که بوسیله هبور از مصب رود «پولیتسا» یوانگورود و یووالکسا دریا، انجام میگرفت تدریجاً بعملیات احاطه هر دو جناح آلمانها و اطریشها از کوتو (Koutno) تا دووالکسا دریا منجر شد و در آنجا ارتش اطریش شکست خورده و سمت رادم (Radom) عقب نشست. با این وضع متحدین چاره ای نمیدیدند چرا اینکه برای جلوگیری از شکست خود، در تمام جبهه، عقب نشینی سریع صادرت کنند. از روز ۲۷ اکتبر آنها شروع به عقب نشینی نموده و راه آهن را کاملاً خراب کردند.

عقب نشینی متحدین و نقشه جدید فرماندهی کل روس (نقشه شماره ۱۶)

در این عقب نشینی مقاصد ارتشهای آلمان و اطریش مختلف بود: آلمانها مجبور بودند که از هرگونه محاربات جدیداً احتراز نموده باروسها قطع تماس کنند، برای اطریشها بزرگترین لازم بود مرکز راههای «اندومیر» را در دست داشته باشند، چه اشغال آن از طرف روسها وضع بقیه ارتش اطریش را که مدافع دسان بود، دچار اشکال بساخت. اما ارتش آلمان بدون توقف به خط مبدأ عزیمت خود «ولون» تارنویتسی (Velun-Tarnowitz) نداشتن قوای پهلوئی در «کالیچ» (Kalich) و «ژرن» ، عقب نشست، ارتش یکم اطریش این عقب نشینی را با اجرای چندین محاربه در مقابل ارتش روس انجام داده و تا نیمه نوامبر در تمام جبهه بسمت «کراکوی» و «کاربات» عقب نشینی کرد.

نقشه عملیات بعدی ارتشهای روس بین دو تصمیم مردد بود: یا تعاقب دشمن شکست خورده و یا اشغال مبدأ مساعدی جبهه عملیات آتی بمرکز آلمان. بالاخره نقشه دوئی اتخاذ شد و ارتشهای روس مقارن ۲-۸ نوامبر بجهت «اوه»